

ظرفیت‌های تقنینی کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی در بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر

علی علمداری* و محمد فرجیها**

شماره صفحه: ۱۵۷-۱۸۲	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱	نوع مقاله: علمی پژوهشی
---------------------	-----------------------	--------------------------	------------------------

فضای سایبر و ویژگی‌های خاص جرائم ارتكابی در آن موجب شده است شیوه اجرای عدالت کیفری متعارف در مواجهه با بزه‌دیدگی اطفال در جرائم سایبر پاسخگو نباشد؛ بنابراین نظام عدالت کیفری ناگزیر است با این دگرگونی‌ها، شیوه‌ها و هدف‌های خود را تطبیق دهد. الگوی عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از دستاوردهای حقوق کیفری نوین با داشتن ظرفیت‌هایی همچون افزایش رضایت بزه‌دیدگان، کاهش بزه‌دیدگی دومین، توسعه عدالت قضایی به‌عنوان رویکردی فراگیر در نظام‌های عدالت کیفری پذیرفته شده است. این پژوهش با هدف تبیین ظرفیت‌های تقنینی عدالت ترمیمی در مواجهه با بزه‌دیدگی اطفال در جرائم سایبر در مقام پاسخگویی به این پرسش است که راهبردهای عدالت ترمیمی تا چه اندازه با بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر انطباق و کاربرد دارد؟ برای پاسخگویی به پرسش اصلی این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده تا ضمن تبیین کارکردهای عدالت ترمیمی این مختصر را در چارچوب مطالعه کاربردی این آموزه‌ها در مواجهه با بزه‌دیدگی اطفال در جرائم سایبر بسط و برای رفع کاستی‌های موجود به‌ویژه، آنچه متوجه نظام حقوقی ایران است، ارائه طریق کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهبردهای عدالت ترمیمی با رویکردی بزه‌دیده‌مدار، با ایجاد تعادل و توازن میان دغدغه‌های اطفال بزه‌دیده، بزه‌کار، جامعه محلی در مرحله نخست منافع و خواست اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر را در اولویت قرار داده و می‌تواند کاربردی این فرایند در هر زمان و مرحله از رسیدگی کیفری برای نظام اصلی رسیدگی به جرائم اطفال در فضای سایبر، امکان دسترسی به موقع، منعطف و کم‌هزینه به عدالت کیفری را برای اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها فراهم کند و فضای مناسبی برای تحقق خواسته‌های آنها از نظام عدالت کیفری باشد.

کلیدواژه‌ها: عدالت ترمیمی؛ جرائم سایبری؛ بزه‌دیدگی اطفال؛ میانجی‌گری

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛
Email: alamdari.al@gmail.com
** دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس؛
Email: farajihay@modares.ac.ir

مقدمه

پیوند روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات با زندگی بشر و ویژگی‌های خاص حاکم بر فضای سایبر، از جمله گمنامی و نیز عدم برخورد فیزیکی، افزایش بزه‌دیدگی اطفال را در پی داشته است؛ چراکه اطفال بزه‌دیده به دلیل عدم رشد شخصیتی، از حساسیت و آسیب‌پذیری ویژه‌ای برخوردارند و این امر موجب شده در آماج جرائم سایبری همچون سوءاستفاده جنسی قرار گیرند (Piaget; Inhelder and Weaver, 2000: 9). گاهی برخورد نهادهای رسمی عدالت کیفری با اطفال بزه‌دیده و خانواده‌های آنها برای نمونه در جرائم سایبری مانند قلدری سایبری و جرائم اخلاقی در فضای سایبری به نحوی است که پرداخت خسارت آنها بسیار ناراحت‌کننده، تحقیرآمیز، غیرمنصفانه، بی‌توجه به نیازها و منافع آنهاست. این رویکرد در برخی مواقع همراه با پارادایم آمارگرایی حاکم بر نظام عدالت کیفری و با تمسک به گزاره‌هایی همچون نص قانون، تفسیر مضیق به عنوان الگوهای خدشه‌ناپذیر در اذهان کارگزاران عدالت کیفری و بسترهای فرهنگی عدم پذیرش افشای بزه‌دیدگی اطفال در جرائم سایبر، به حاشیه‌نشینی اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر منجر شده است. این نحوه عملکرد که از آن به عنوان دومین بزه‌دیدگی یاد می‌شود موجب شده اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها از نظام عدالت کیفری دلسرد شوند و تصمیم بگیرند آن را اطلاع ندهند (صفاری، ۱۳۸۲: ۲۶۳-۲۶۲). جنبش عدالت ترمیمی با رویکردی نوین و بزه‌دیده‌مدار با کاربست راهبردهای متنوع و متناسب با وضعیت اطفال بزه‌دیده با طرح رویکرد تعادل و توازن میان دغدغه‌های بزه‌دیده، بزهکار و جامعه محلی می‌تواند فضایی مناسب برای رسیدگی به جرائم سایبری فراهم کند و در مواردی که این اطفال به دلیل وضعیت آسیب‌پذیری و ناتوانی در بیان خواسته‌ها و اعتراض‌ها در مقابل بزهکار بزرگسال، امکان و فرصت لازم در نظام عدالت کیفری را ندارند راه‌گشا باشد.

عدالت ترمیمی به جای تحمیل هنجارهای کیفری و رسمی بر اختلاف‌ها و نزاع‌ها، به دنبال افزایش سهم و نقش کنش‌گران جرم و توانمندسازی طرفین جرم برای دستیابی به راه‌حل منطقی و کم‌هزینه است. آموزه‌های عدالت ترمیمی در قیاس با آثار زیان‌بار محیط کیفری رسمی به دلیل اینکه با مشارکت دادن اعضای خانواده بزه‌دیده و بزهکار، نمایندگان

نهادهای عمومی ذی‌نفع، نمایندگان مراکز ارائه خدمات آموزشی و تربیتی را نیز به مشارکت وامی دارد می‌تواند فرایندی مناسب برای رسیدگی به بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر محسوب شود.

۱. کاربرد عدالت ترمیمی و بزه‌دیدگی اطفال در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی

با توجه به توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و ویژگی خاص این دوران، کودکان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و درعین حال آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه همواره بیش از هر زمان دیگر در معرض انواع بزه‌دیدگی قرار دارند. این امر موجب شده است تا اصل لزوم حمایت کیفری ویژه از اطفال در فضای سایبر مورد تأکید اسناد بین‌المللی قرار گیرد. از جمله مناقشاتی که همواره در کاربست راهبردهای بین‌المللی به‌منظور حمایت از اطفال بزه‌دیده در نظام‌های کیفری مطرح بوده تعیین قلمرو شمول حمایت کیفری از اطفال است که در کشورهای مختلف از ۱۴ تا ۱۸ سال متغیر است (Marty and Siber, 2008: 155). ماده (۱) کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد^۱ که ایران بدان ملحق شده است مقرر می‌دارد: منظور از کودک، فردی است که به سن ۱۸ سال نرسیده است مگر اینکه طبق قوانین قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد.

در نظام حقوقی ایران، مرز کودکی همان سن بلوغ است که ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران است. آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ در ماده (۲۷)، قلمرو حمایت کیفری از اطفال را در امور مالی ۱۸ سال و در امور غیرمالی سن بلوغ تعیین کرده است. از نظر تحولات قانونگذاری درباره مفهوم کودک، قانونگذار ایران به‌طور کلی به طفل بیشتر از دیدگاه مسئولیت کیفری و قابل تعقیب بودن فرد توجه کرده است (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۵). این در حالی است که عدالت ترمیمی، فهمی متفاوت از مفاهیم بنیادین حقوق کیفری از جمله جرم، مسئولیت کیفری ارائه می‌دهد. در این رویکرد، جرم پیش از آنکه نقض قانون جزا تلقی شود، نقض روابط میان فردی و گسستن رابطه انسانی است.

1. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner

به موجب اصول اساسی کاربرد راهبردهای عدالت ترمیمی در امور کیفری سازمان ملل مصوب ۲۰۰۲ مهم‌ترین آموزه‌های ترمیمی عبارتند از: میانجی‌گری کیفری، صلح و سازش، نشست‌های گروهی و خانوادگی و حلقه‌های تعیین مجازات. میانجی‌گری کیفری و صلح و سازش یکی از مهم‌ترین راهبردهای ترمیمی در ماده (۸۲) قانون آیین دادرسی کیفری ایران پیش‌بینی شده است که به موجب آن در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت که عمدتاً شامل حبس‌های کوتاه‌مدت (حداکثر تا دو سال)، جزای نقدی حداکثر تا ۸۰ میلیون، شلاق حداکثر تا ۹۹ ضربه و محرومیت‌های اجتماعی کوتاه‌مدت می‌شود. البته مقام قضایی در صورت رضایت طرفین و تشخیص خود با اخذ تأمین متناسب، می‌تواند حداکثر دو ماه به متهم مهلت دهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با رضایت طرفین به شورای حل اختلاف یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. بر این مبنا نتیجه سازش حاصله از طریق میانجی‌گری علاوه بر اینکه به صدور قرار موقوفی تعقیب در جرائم قابل‌گذشت منجر می‌شود، در جرائم غیرقابل‌گذشت نیز به مقام قضایی اجازه صدور قرار تعلیق مجازات می‌دهد. جلوه‌ای از رویکردهای ترمیمی اسناد بین‌المللی نسبت به اطفال بزه‌دیده را می‌توان در ماده (۴۰) کنوانسیون حقوق کودک مشاهده کرد که به موجب آن، کشورهای عضو این حق را در مورد اطفال متهم یا مجرم به نقض جرائم، به رسمیت می‌شناسند تا با آنان مطابق با شئون و ارزش طفل رفتار کرده و با در نظر گرفتن سن طفل، باعث افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به‌عهده گرفتن نقشی سازنده شوند.

مطابق این رویکرد، مسئله سوءاستفاده از اطفال در فضای سایبر و استثمار جسمی، جنسی و پورنوگرافی کودکان، بی‌توجهی به آنها از جمله موضوع‌هایی است که این کنوانسیون به آن توجه ویژه کرده است. تحلیل و واکاوی مفاد این مصوبه به‌طور ضمنی فضایی را برای رسیدگی به جرائم سایبری اطفال بزه‌دیده ترسیم می‌کند که با مبانی اولیه عدالت ترمیمی، مبنی بر بزه‌دیده محوری و شرمساری باز پذیران بزهکار مطابقت دارد (Sherman, 2007: 23).

کنوانسیون حقوق کودک مطابق بند «۳» ماده (۴) تحت تأثیر آموزه‌های ترمیمی به تبیین رسیدگی بدون توسل به دادرسی‌های قضایی با رعایت حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی اشاره می‌کند. بند «الف» اصل (۱۳) از اصول اساسی کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری، مصادیقی از جنبه‌های حمایتی فرایندهای ترمیمی را مورد توجه قرار داده است. بر مبنای این اصل، حسب مورد اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر باید بتوانند از کمک والدین یا اولیای قانونی برخوردار شوند.

قانونگذار ایران تحت تأثیر کنوانسیون حقوق کودک در ماده (۲۶) آیین‌نامه میانجی‌گری مقرر می‌دارد: در صورتی که طرفین اختلاف یا یکی از آنها کمتر از ۱۸ سال داشته باشد حضور ولی یا سرپرست وی الزامی است. مطابق اصول اساسی کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی گروه‌ها، نظیر میانجی‌گران، تسهیل‌کنندگان، اعضای جامعه محلی، اعضای خانواده‌های بزه‌دیده و بزهکار سایبری نیز باید بتوانند در جهت تصمیم‌سازی طفل بزه‌دیده و بزهکار سایبری نقشی حمایتی داشته باشند. بدین منظور قانونگذار در ماده (۱۹) آیین‌نامه میانجی‌گری، به میانجی‌گر این اختیار را داده است تا در صورت ضرورت از اعضای خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و سایر اشخاص از جمله جامعه محلی که بنا به تشخیص میانجی‌گری یا تقاضای هر کدام از طرفین حضورشان در جلسه میانجی‌گری مفید است دعوت به عمل آورد.

با توجه به اهمیت جبران خسارت، پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر و امکان زندگی مجدد آنها در جامعه، بند «۳» ماده (۹) کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: کشورهای عضو تضمین خواهند کرد همه اقدامات ممکن را با هدف حصول اطمینان از ارائه همه مساعدت‌های مقتضی به قربانیان این‌گونه جرائم از جمله سازگاری مجدد و کامل اجتماعی و بهبود جسمی و روحی ایشان به عمل خواهند آورد. بر این مبنای قانونگذار ایران در تبصره «۱» ماده (۲۵) آیین‌نامه میانجی‌گری به منظور شناسایی وضعیت بزه‌دیده برای ارائه مساعدت‌های قانونی لازمه مقرر می‌دارد: در گزارش میانجی‌گری باید وضعیت کلی بزه‌دیده و آثار روانی، جسمانی و مالی جرم نسبت به وی، مراتب ندامت یا عذرخواهی متهم و همچنین تلاش یا عدم تلاش وی برای جبران آثار جرم و التیام بخشیدن به آلام بزه‌دیده مورد اشاره قرار

گیرد. بند «۴» ماده (۹) پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که همه اطفال بزه‌دیده، بدون تبعیض به رویه‌های مناسب برای درخواست غرامت بابت خسارات وارده از جانب کسانی که قانون آنان را مسئول دانسته، دسترسی داشته و بدین منظور کشورهای عضو، همکاری بین‌المللی به منظور کمک به اطفال بزه‌دیده را برای بهبود جسمی و روحی، سازگاری مجدد اجتماعی ارتقا خواهند بخشید.

کنوانسیون حقوق کودک در ماده (۸) پروتکل الحاقی به بحث بزه‌دیدگی اطفال و حمایت از حقوق و منافع اطفالی پرداخته است که از این طریق قربانی می‌شوند و مطابق آن کشورهای عضو می‌بایست اقدام‌هایی را به‌ویژه از طرق ذیل اتخاذ کنند تا از حقوق و منافع اطفال بزه‌دیده در برابر رفتارهای غیرقانونی تصریح شده در این پروتکل در همه مراحل رسیدگی کیفری حمایت شود: الف) به رسمیت شناختن آسیب‌پذیری اطفال بزه‌دیده و تصویب تشریفاتی به منظور شناسایی نیازهای خاص ایشان، از جمله نیازهای خاص ایشان به‌عنوان شاهد، ب) آگاه کردن اطفال قربانی از حقوق، نقش ایشان، زمان بندی و پیشرفت مراحل رسیدگی و وضعیت موارد تحت بررسی آنها، ج) فراهم کردن زمینه ارائه و مورد توجه قرار گرفتن دیدگاه‌ها، نیازها و نگرانی‌های اطفال قربانی در روند رسیدگی به‌ویژه در جایی که طفل در فضای سایبر قربانی جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی شده است یا منافع شخصی ایشان تحت تأثیر قرار گرفته باشد، د) فراهم کردن خدمات حمایتی مقتضی برای اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر در همه مراحل رسیدگی، ه) در صورت اقتضا، حمایت از امور خصوصی و هویت اطفال قربانی در فضای سایبر و اتخاذ اقدام‌هایی برای اجتناب از انتشار نابه‌جای اطلاعاتی که می‌تواند موجب شناسایی اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر شود، و) تأمین امنیت برای اطفال قربانی جرائم سایبر و همچنین خانواده ایشان در برابر آزار و انتقام‌گیری، ز) اجتناب از تأخیر غیرضروری در بررسی موارد و اجرای احکام مربوط به پرداخت غرامت به اطفال بزه‌دیده (United Nations Human Rights Office of the High Commissioner, 2000).

مطابق پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو متعهد شده‌اند که مشخص نبودن سن واقعی بزه‌دیده، مانع از آغاز تحقیقات کیفری نخواهد شد. با توجه به مراتب پیش‌گفته، در اسناد بین‌المللی به‌ویژه در پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق

کودک توجه به مسئله جبران خسارت اطفال بزه‌دیده و مسئله بهبود و بازگشت طفل بزه‌دیده به جامعه موضوعی بااهمیت تلقی شده است و نشان می‌دهد گرایش جهانی برای رسیدگی به بزه‌دیدگی اطفال در جرائم سایبر به سمت ترمیمی شدن می‌رود.

۲. شناسایی بزه‌دیدگی اطفال و امکان‌گزینش فرایند ترمیمی

برای اطفال بزه‌دیده، اولین مطالبه به رسمیت شناخته شدن بزه‌دیدگی آنهاست. عدالت ترمیمی، با پذیرش ادعای بزه‌دیده مبنی بر بزه‌دیدگی از آلام او می‌کاهد. اختیار بزه‌دیده در تعیین روش جبران خسارت او را در کنترل آثار بزه‌دیدگی یاری می‌دهد چراکه عدم تماس فیزیکی بین مزاحم سایبری و قربانی موجب شده است اغلب مداخله‌کنندگان نهادهای رسمی از جمله پلیس، جدیت چنین آزارهایی را دست‌کم شمرده، به راحتی، ترس قربانی را به مثابه یک شکایت کم‌ارزش و وقت‌گیر تلقی کرده و آن را پیگیری نکنند (Jaishankar, 2011: 163). مهم‌ترین مسئله ذهنی اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها در جرائم سایبر، اطمینان خاطر از عدم تکرار بزه‌دیدگی آنها در فضای سایبر است. از این رو، آنچه موجبات رضایت بیشتر اطفال را فراهم می‌کند، همانا مشارکت بزهکار سایبری در فرایند پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی اطفال در جرائم سایبر است که در نشست‌های ترمیمی محقق می‌شود. همچنین نقش ارزنده‌ای در جلب رضایت بزه‌دیدگان و حس ندامت و شرمساری بزهکاران ایجاد می‌کند که امکان تحقق آن به نظر می‌رسد در فضای مخاصمه‌آمیز نظام عدالت کیفری میسر نیست.

به رسمیت شناختن اختیار والدین و سرپرستان قانونی طفل بزه‌دیده در فضای سایبر در گزینش فرایندهای ترمیمی، از جمله اصول اساسی عدالت ترمیمی است که مطابق آن طرفین جرم برای شرکت در این فرایند باید از آزادی و اختیار لازم برخوردار باشند. این مطلب در بیانیه اصول اساسی کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری مصوب ۲۰۰۲ سازمان ملل متحد تصریح شده است. بنابراین امکان چنین انتخابی باید همواره به صورت واقعی برای والدین و سرپرست قانونی طفل بزه‌دیده در جرائم سایبر وجود داشته باشد و باید به او فرصت داده شود به نحو کامل درخواست خود را مطرح کند و خواستار جبران کامل ضرر و زیان خویش باشد.

در نظام‌های عدالت کیفری ایران با توجه به ماده (۸۲) قانون آیین دادرسی کیفری ارجاع به برنامه‌های عدالت ترمیمی از اختیارات نظام عدالت کیفری است. به این معنا که نظام عدالت کیفری صرفاً در تشخیص پرونده‌های مناسب و ارجاع آن می‌تواند ابتکار عمل داشته باشد و تنها در مورد قبول نتایج میانجی‌گری است که طرفین می‌توانند نتایج را قبول یا رد کنند. این امر با توجه به وضعیت آسیب‌پذیری اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر نسبت به سایر بزه‌دیدگان و جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد آنها از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین باید این موضوع به خوبی برای کنش‌گران جرم تبیین شود تا ضمن رعایت اصل اختیاری و توافقی بودن فرایند ترمیمی، از ارجاع آنها به جهت کاهش آمار جرائم سایبر و افزایش عملکرد خودداری شود؛ چراکه این رویکرد در درازمدت در منظر مراجعان به نظام عدالت کیفری جزئی از فرایند رسیدگی‌های قضایی به حساب می‌آید. تذکر اختیاری بودن فرایند ترمیمی از وظایف تسهیل‌کننده است و مطابق ماده (۱۴) اصول اساسی کاربرد عدالت ترمیمی در امور کیفری سازمان ملل، هریک از طرفین در هر مرحله‌ای می‌توانند از ادامه فرایند انصراف دهند و در پذیرش یا عدم پذیرش نتایج نیز مخیرند.

قانونگذار ایران مطابق این رویکرد در ماده (۱۶) آیین‌نامه میانجی‌گری مقرر می‌دارد در فرایند میانجی‌گری، میانجی‌گر باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی وظایف خود را انجام دهد و نباید طرفین را برای رسیدن به توافق و امضای آن در معرض تهدید یا اجبار قرار دهد و در مدیریت جلسات نباید به نحوی عمل کند که بزه‌دیده مجدداً دچار بزه‌دیدگی شود. بر مبنای اصل اختیاری بودن مشارکت در فرایند ترمیمی از جمله در مرحله پذیرش، انتخاب فرایند ترمیمی به‌عنوان روشی برای رسیدگی به جرم سایبری ابتدا باید با بزهکار سایبری مطرح شود زیرا از یک سو بزهکار به دلیل اینکه در فرایند نظام عدالت کیفری مجازات در انتظار اوست تمایل بیشتری برای شرکت در فرایند ترمیمی دارد و از سوی دیگر جلب رضایت اولیه بزهکار موجب می‌شود تا فشار و تنش روانی ناشی از جرم کاهش یافته و بدین طریق به بزه‌دیده کمک خواهد شد به‌دور از احساسات، خشم خود را فروکش و در فرایند ترمیمی مشارکت کند (Wright, 2004: 143).

بزهکار سایبری در فرض پذیرش فرایند ترمیمی، مسئولیت جرم ارتكابی و جبران

خسارت بزه‌دیده را می‌پذیرد. البته این امر نباید اقرار به مجرمیت محسوب شود؛ چراکه ترس و نگرانی از پیامدهای حقوقی پذیرش تقصیر در رسیدگی‌های رسمی بعدی ممکن است به موقعیت بزهکار سایبری در طول فرایند رسیدگی قانونی لطمه وارد کند و مانع مشارکت واقعی بزهکار در فرایند ترمیم شود. در فرایند ترمیمی، کارگزاران با آماده کردن طرفین جرم سایبری، آنگاه که طفل بزه‌دیده با خویشان و آشنایانی مواجه است که او را در فضای سایبر مورد آماج اعمال مجرمانه قرار داده‌اند؛ تا حدی هراس طفل بزه‌دیده برای مواجهه کاسته و بزهکار سایبری نیز آگاه می‌شود که نمی‌تواند در فرایند ترمیمی با سوءاستفاده از رابطه و آشنایی خود با طفل بزه‌دیده، به شکل غیرحقیقی و ظاهری تلقی کند.

۳. مشارکت فعالانه طرفین جرم در فرایندهای ترمیمی

نخستین شرط حاکم بر فرایند ترمیم، توافقی بودن به معنای پذیرش ارجاع به میانجی‌گری ازسوی طرفین دعوی است که مشارکت بزه‌دیده و بزهکار در هر نوع میانجی‌گری کیفری، جزء اساس شروع فرایند و ادامه آن است. اصل شرکت اختیاری در فرایند ترمیم در جرائم سایبری وجه تمایز برنامه‌های عدالت ترمیمی با سایر الگوهای عدالت است. قانونگذار ایران در ماده (۵) آیین‌نامه میانجی‌گری مصوب ۱۳۹۴ نیز به این مسئله اشاره کرده و مقرر می‌دارد در صورت توافق طرفین اختلاف به معرفی میانجی‌گر و موافقت میانجی‌گر مرضی‌الطرفین آنها، میانجی‌گری پس از تأیید مقام قضایی با وی خواهد بود. این اصل نه‌تنها در شروع فرایند بلکه در همه مراحل اجرای برنامه باید مورد توجه قرار گیرد.

فرایند ترمیم اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر، زمانی استاندارد و پذیرفته شده است که از چارچوب لازم برخوردار باشد، خروج رسیدگی به اختلاف‌ها از نظام عدالت کیفری به سمت رسیدگی غیررسمی نباید موجب نادیده گرفتن حقوق و موازین بشری شود. درواقع، اگرچه خروج از مسیر رسمی صورت پذیرفته، اما مسیر غیررسمی نیز ترتیبات خاص اجرایی و اهدافی دارد که تضمین‌کننده حقوق اساسی اطفال و اعتلادهنده شأن و منزلت انسانی آنهاست. اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک حداقل

حقوق بشری که بایستی در فرایند ترمیم اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر مدنظر قرار گیرد را به شرح ذیل برشموده‌اند: ۱. حق برخورداری از رسیدگی عادلانه، سالم و بی‌طرف در زمان و شرایط متناسب توسط دادگاه‌های قانونی قبل یا بعد از صرف نظر کردن از ادامه فرایند میانجی‌گری، ۲. حق برخورداری از مساعدت‌های قانونی لازم، مانند حق داشتن مشاور حقوقی، مترجم، حق داشتن همراه حداقل برای اطفال بزه‌دیده و اطفال بزه‌کار در جرائم سایبر و دیگر افراد آسیب‌پذیر به‌ویژه در جرائم علیه عفت و اخلاق در فضای مجازی، ۳. تساوی افراد در برخورداری از مزایای میانجی‌گری و عدم تبعیض و ترجیح در مورد افراد خاص و توجه به تفاوت‌های فرهنگی، سن، جنس، نژاد، موقعیت و پایگاه اجتماعی در مورد اعمال این حق‌های بنیادین، ۴. تضمین حقوق اساسی اطفال بزه‌دیده در فرایند ترمیم و توجه به نیازهای اساسی و انسانی آنان، ۵. تضمین اصول استقلال، اعتبار، اختیاری بودن، بی‌طرفی، محرمانه بودن میانجی‌گری کیفی (عباس‌زادگان، ۱۳۸۲: ۸۵).

قانونگذار ایران تحت تأثیر اسناد بین‌المللی پیش‌گفته در ماده (۲۴) آیین‌نامه میانجی‌گری به منظور رعایت حق دادرسی عادلانه، میانجی‌گر را مکلف کرده است تا در صورت عدم حصول توافق میان طرفین، ارجاع مجدد قضیه به فرایند رسمی رسیدگی کیفی را به آنها اعلام کند. همچنین به منظور حمایت از اطفال در فرایندهای ترمیمی در ماده (۲۴) آیین‌نامه میانجی‌گری مقرر می‌دارد در صورتی که طرفین اختلاف یا یکی از آنها سن زیر ۱۸ سال داشته باشند حضور ولی یا سرپرست قانونی اطفال در فرایند میانجی‌گری الزامی است.

قانونگذار ایران در ماده (۲۰) آیین‌نامه میانجی‌گری، به مسئولیت میانجی‌گر در حفظ همه اطلاعات و اسرار که از طرفین به دست می‌آورد پرداخته است. در تبصره ماده (۲۳) این آیین‌نامه به بحث محرمانه بودن اطلاعات و اسناد در فرایند میانجی‌گری می‌پردازد. مطابق این رویکرد در جلسات میانجی‌گری اعم از حضوری یا اینترنتی آنچه رخ می‌دهد باید کاملاً محرمانه بماند، مگر آنکه طرفین برخلاف آن توافق کنند یا مصلحت ایجاب کند به ضرورت پیشگیری از جرم، مفاد اظهارات در دسترس دادستان قرار گیرد. اگرچه میانجی‌گر با توجه به شرط محرمانه بودن تحت محدودیت‌های بسیاری قرار دارد، اما هیچ تضمینی با

توجه به ویژگی‌های حاکم بر فضای سایبر برای عدم افشای اطلاعات وجود ندارد. بنابراین کارگزاران قبل از ورود به فرایند ترمیمی باید وجود چنین خطری را به‌طور آشکار به طرفین اختلاف کیفری اعلام کنند. ماده (۳۲) توصیه‌نامه شورای اروپا پیشنهاد کرده است تنها بایستی در خاتمه میانجی‌گری، نتایج و توافقات فی‌مابین افراد یا عدم توافق و موفقیت‌آمیز نبودن میانجی‌گری، به دستگاه عدالت کیفری گزارش داده شود. در این گزارش تنها دلایل عدم توافق ذکر شود. این گزارش نباید اصل محرمانه بودن میانجی‌گری را خدشه‌دار کرده و جزئیات اظهارات و رفتار اشخاص را در طول میانجی‌گری فاش کند.

قانونگذار ایران در ماده (۲۴) آیین‌نامه میانجی‌گری، میانجی‌گر را مکلف کرده است مفاد اظهارات و گفتگوی طرفین را در صورت مجلس تنظیمی قید کند و مطابق تبصره این ماده نتیجه میانجی‌گری در هر دو فرض موفقیت یا شکست به اطلاع مقام قضایی برسد. این رویکرد با توجه به اصول اساسی عدالت ترمیمی در امور کیفری نیازمند بازنگری است بدین‌نحوکه دادگاه نباید علل شکست میانجی‌گری را بررسی کند. همچنین به‌منظور حمایت از اصل محرمانه بودن فرایند میانجی‌گری در خصوص اطفال می‌بایست در گزارش میانجی‌گر صرفاً اطلاعات مربوط به وضعیت کلی بزه‌دیده از جمله آثار روانی، جسمانی و مالی جرم نسبت به اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها و نیز مراتب ندامت بزهکار سایبری در چارچوب تلاش یا عدم تلاش بزهکار برای جبران آثار جرم در گزارش مورد اشاره قرار گیرد. میانجی‌گر تکلیفی به ارائه سایر اطلاعات و مفاد گفتگوهای صورت گرفته بین طرفین به مقام قضایی ندارد. به‌منظور رعایت اصل محرمانه بودن در فرایند میانجی‌گری می‌توان با اعمال ضوابط و قوانین ناظر بر روابط بین وکیل و موکل بر رابطه بین میانجی‌گر با بزه‌دیده و بزهکار به رعایت حق مذکور از طرف کارگزاران عدالت ترمیمی امیدوار بود. آنچه در فرایند ترمیمی در مورد اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر صورت می‌پذیرد باید به‌عنوان بخشی از برنامه برای افراد دخیل در جرم سایبری، روشن شود و مراحل مختلف آن و چگونگی رسیدن به توافق و دستیابی به توافق و نتیجه سرپیچی از توافقات و حق دسترسی به نظام عدالت کیفری سنتی توضیح داده شود تا افراد با شناخت و آگاهی لازم وارد این برنامه شوند (شریعتی، ۱۳۸۹: ۱۸).

در زمان ارجاع یک پرونده به نهاد میانجی‌گر، این فرایند برای انجام برنامه خود باید استقلال داشته و از معیارها، اصول و روش‌های از پیش تعیین شده خود در برگزاری تبعیت کند. اگرچه ممکن است این برنامه تحت نظارت نهادهای رسمی از جمله مقام قضایی یا پلیس آموزش دیده سایبری انجام شود، اما نمی‌تواند شکل و فرایند اجرایی برنامه را تعیین یا تغییر دهد و آن را از اصول و چارچوب خود خارج کند.

بر مبنای آموزه‌های عدالت ترمیمی، سازوکارهای متنوعی برای حل و فصل اختلاف‌ها در آسیا، خاورمیانه، آفریقا و اقیانوسیه دسته‌بندی شده است اما نقطه اشتراک همه راهبردهای پیش‌بینی شده جبران خسارت اطفال بزه‌دیده و احیای صلح و نظم به منظور اجتناب از پیامدها و عواقب ناشی از انتقام است (Braithwaite, 2002: 34). به این ترتیب هریک از آموزه‌های ترمیمی از جمله نشست‌های ترمیمی، میانجی‌گری و راهکارهای جبران خسارت راهبردهایی هستند برای افزایش رضایت بزه‌دیدگان، حل و فصل سریع اختلاف‌ها، حمایت از ارزش‌های جامعه مدنی و جبران صدمات وارده بر اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها در فضای سایبر.

به منظور تحقق راهبردهای عدالت ترمیمی می‌بایست فضایی فراهم شود تا طرفین آزادانه پذیرای فرایند ترمیمی شوند. بنابراین شرکت آزاد و پذیرش این فرایند دوماه‌ای است که در خصوص اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اطفال بزه‌دیده در جرائم اخلاقی در فضای سایبر و قلدری سایبری توانایی لازم برای بیان احساسات خود را نداشته و لذا آگاهی وی از فرایند ترمیم، نحوه برخورد با بزهکار سایبری، امکان عدم پذیرش ورود به فرایند ترمیمی در مقایسه با بزرگسال بسیار کمتر است. بر این اساس آگاهی بزهکار سایبری بر ضعف‌های طفل بزه‌دیده در فضای سایبر در جایی که بزهکار فردی بزرگسال است به ویژه در قلدری سایبری و هرزه‌نگاری سایبری موجب می‌شود بزهکار از این ضعف طفل استفاده کند و با ابراز تأسف و پشیمانی ظاهری به سازش و توافقی غیرحقیقی با طفل و خانواده او مبادرت ورزد. در این صورت طفل بزه‌دیده بیش از پیش درگیر تبعات جرم ارتکاب یافته قرار می‌گیرد و از آنجا که اظهار بزهکار غیرحقیقی است؛ لذا پیشگیری از تکرار که با به‌کار بردن آموزه‌های عدالت ترمیمی میسر می‌شود ممکن است در این فرض با محدودیت مواجه شود.

در جرائمی همچون هرزه‌نگاری اطفال در فضای سایبر که بزهکار از اقوام و آشنایان طفل بزه‌دیده است حلقه التیام‌بخش با اطفال بزه‌دیده قبل از فرایند مواجهه طفل بزه‌دیده و بزهکار سایبری در فرایند ترمیم حسب نظر کارشناسان یا هیئت کارشناسی در راستای حمایت از اطفال به‌منظور توانمندسازی و بازگشت به شرایط قبل از وقوع جرم به‌ویژه در قلدری سایبری و هرزه‌نگاری اطفال در فضای سایبر مشخص می‌کند که آیا طفل بزه‌دیده بزهکار آماده مواجه شدن است یا خیر (Ibid., 2004: 52)؛ زیرا ممکن است اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر از فرایند ترمیمی اظهار رضایت کنند چراکه این احساس و تنش روحی و ذهنی در طفل ایجاد می‌شود که در آینده احتمالاً با بزهکار سایبری مواجه خواهد شد و به‌دلیل حساسیت رابطه بین آنها فرایند ترمیمی دچار محدودیت شود. به‌منظور مقابله با محدودیت‌های پیش‌گفته، می‌توان با فراهم کردن امکان بهره‌مندی از معاضدت حقوقی ویژه و استفاده از کارگزاران ترمیمی آموزش‌دیده قبل از فرایند مواجهه سهام‌داران اصلی و آگاه‌سازی خانواده آنها در جرم قلدری سایبری و هرزه‌نگاری سایبری از فرایند ترمیم و شرکت در آن، نسبت به حل محدودیت در بیان خواسته‌ها و مشکلات طفل بزه‌دیده اقدام کرد و امکان پذیرفتن یا نپذیرفتن و تبعاتش را به بیان قابل فهم برای اطفال و خانواده‌های آنها بیان کرد. این اطلاع‌رسانی از اهم وظایف کارگزاران در مواجهه با اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر محسوب می‌شود (هدایت، ۱۳۹۲: ۵۶).

قانونگذار ایران در ماده (۱۶) آیین‌نامه میانجی‌گری امکان چنین فرایندی را برای کنش‌گران اختلاف کیفری صرفاً بعد از ارجاع مقام قضایی به فرایند میانجی‌گری پیش‌بینی کرده است. به طوری‌که بعد از ارجاع مقام قضایی به فرایند میانجی‌گری، می‌بایست اهداف و آثار میانجی‌گری و نیز موضوع جرمی که موجب میانجی‌گری شده برای شاکی و متهم به‌طور صریح و شفاف توضیح داده و زمینه استماع، اظهارنظر و مذاکرات طرفین اختلاف را فراهم کند. این در حالی است که به‌منظور تحقق صحیح فرایند ترمیم اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر باید بستر این امکان قانونی فراهم شود تا اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر و سرپرستان قانونی آنها بتوانند به‌محض اولین تماس با نظام عدالت کیفری، اطلاعات شفاهی و کتبی را در مورد حقوق خود و خدمات در دسترس به‌صورت اینترنتی، تلفنی یا حضوری دریافت کنند.

ازجمله آموزه‌های عدالت‌ترمیمی، نشست‌های گروهی خانوادگی است که بستری را برای مشارکت دادن اعضای خانواده طفل بزه‌دیده و بزه‌کار، نمایندگان نهادهای عمومی ذی‌نفع، نمایندگان مراکز ارائه خدمات آموزشی و تربیتی فراهم می‌کند.

در نشست‌های ترمیمی اشخاص درخصوص نتیجه‌نهایی برای ترمیم آسیب‌ها و جلوگیری از تکرار جرم سایبری توافق می‌کنند که این موضوع می‌تواند در قالب جبران خسارات مالی بزه‌دیده، ترمیم درد و رنج‌های وی به‌صورت معذرت‌خواهی و آموزش راهکارهای جلوگیری از بزه‌دیده شدن در فضای سایبر یا درخواست مشارکت بزه‌کار در خدمات اجتماعی باشد. اغلب اطفال بزه‌دیده و سرپرستان قانونی آنها تمایل ندارند که کیفرهای شدید برای بزه‌کاران سایبری به‌عنوان پیامدهای نشست‌های ترمیمی تعیین شود (Duff, 1992: 44-68). بنابراین بزه‌کار سایبری می‌تواند به بزه‌دیده اظهار کند آمادگی ارائه چه خدماتی را از نظر مالی یا غیرمالی برای جبران خسارت دارد. به‌کارگیری نشست‌های عدالت‌ترمیمی، به‌موازات فرایند کیفررسمی پس از محکومیت در دادگاه یا پیش از تعیین کیفر، به‌ویژه در جرائم اطفال در فضای سایبر به‌نظر می‌رسد می‌تواند باعث کاهش تکرار جرم شود چراکه بدین‌نحو، نوع واکنش اجتماعی در برابر پدیده بزه‌کاری دچار تغییر می‌شود و نتیجه کاربست این فرایند، کیفرزدایی از جرائم سایبر است که به موجب آن ویژگی جرم بودن رفتار ارتكابی باقی می‌ماند لیکن راه مواجهه با آن تغییر می‌یابد (آقایی‌نیا و فرهنگ‌مند، ۱۳۹۵: ۷۰).

ازجمله مهم‌ترین عناصر بهبود یا فائق آمدن بر تجربه ناخوشایند تحمل جرم سایبری به‌ویژه در جرائمی همچون قلدری سایبری و هرزه‌نگاری سایبری از اطفال، همانا داشتن فرصتی برای بیان داستان و سرگذشت آنچه اتفاق افتاده است. برای اطفال بزه‌دیده، مهم است که بتوانند این داستان را چند مرتبه بازگو کنند. دلایل درمانی بسیاری در این خصوص وجود دارد (زهر، ۱۳۸۸: ۴۵). اطفال بزه‌دیده به‌فراخور مجازی بودن جرم و دیده نشدن بزه‌دیدگی آنها، نیاز بیشتری به شنیده شدن دارند؛ چراکه احساس مظلومیت در بزه‌دیده سایبری بیشتر است. روش‌های گوناگونی وجود دارد که طفل بزه‌دیده و خانواده آنها بتوانند بدون حضور فیزیکی در نشست‌ها مشارکت کنند بدین‌ترتیب که هماهنگ‌کننده نشست‌ها از طریق فضای سایبر و با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی از طرف بزه‌دیده

اطلاعاتی را در جلسه مطرح کند یا طفل بزه‌دیده با استفاده از فضای سایبر در نشست‌ها حضور یابد یا نحوه نظارت بر نشست‌های گروهی خانوادگی به اتفاق مددکار اجتماعی و هر شخص دیگری انتخاب کنند. این روش‌ها کمک می‌کنند تا خواسته طفل بزه‌دیده سایبری در برنامه طراحی شده نشست‌های گروهی خانوادگی گنجانده شود.

۴. مشارکت کنش‌گران جرم در فرایند ترمیم آسیب‌های روحی و روانی وارده

هر فرایند ترمیمی زمانی از استانداردهای لازم برخوردار است که افراد مسئولیت کار خود را پذیرفته و کنش‌گران جرم شامل بزهکار، بزه‌دیده و جامعه محلی در این فرایند شرکت فعال داشته و علاوه بر مشارکت در فرایند رسیدگی در خصوص جبران خسارات نیز مشارکت داشته باشند.

در اسناد سازمان ملل، تعریف میانجی‌گری شامل «هر فرایندی است که در آن بزه‌دیده و بزهکار و در صورت لزوم، اشخاص یا اعضای جامعه متأثر از جرم گرد هم آمده و عموماً با کمک یک تسهیل‌گر برای حل اختلاف‌های ناشی از جرم، فعالانه مشارکت می‌کنند (United Nations Economic and Social Council, 2002). در بند «الف» ماده (۱) آیین‌نامه میانجی‌گری ایران مقرر شده است: میانجی‌گری، فرایندی است که در آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجی‌گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو کرده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌شود. بر مبنای تعاریف ارائه شده میانجی‌گری مستلزم همکاری میانجی‌گر آموزش‌دیده با والدین و سرپرست قانونی طفل بزه‌دیده و بزهکار در جرائم سایبر برای رسیدن به توافقی مشترک و مورد رضایت طرفین در خارج از دادگاه است. این فرایند با هدف جبران خسارت و کاستن آلام جرم از طفل بزه‌دیده و خانواده وی در تلاش است در چارچوب فرایند میانجی‌گری مطابق با نیازها و خواسته‌های طفل بزه‌دیده، ضررهای وارده را در حد امکان جبران کند.

توافق، عموماً از طریق نشست‌های رودررو با طرفین به صورت فیزیکی یا مجازی و بدون حضور افراد دیگر میسر می‌شود. در واقع، انجام ملاقات جداگانه با طرفین اختلاف و

تلاش برای رسیدن به نتیجه مطلوب و رضایت بخش، بدون ملاقات رودرو، شیوه معمول میانجی‌گری در جرائم سایبر محسوب می‌شود. از جمله امتیازات این گرایش انعطاف و حل و فصل سریع‌تر و مقرون به صرفه اختلاف‌هاست.

۵. مشارکت کنش‌گران جرم در فرایند جبران خسارت

براساس کنوانسیون‌های متعدد در خصوص حقوق اطفال، طفل بزه‌دیده در فضای سایبر به همراه والدین و سرپرستان قانونی به‌عنوان یک طرف دعوی کیفری و با عنایت به ویژگی آسیب‌پذیری، شایسته برخورداری از یک‌سری حمایت‌های ویژه است (Council of Europe, 2007). حق جبران خسارت از مهم‌ترین این حقوق است. اهمیت توجه به صدمات مادی و معنوی وارده بر طفل در تعریف سازمان بهداشت جهانی از کودک آزاری نشان می‌دهد که براساس آن آسیب یا تهدید سلامت جسمی و روانی در چهار مؤلفه بی‌توجهی یا غفلت، آزار جنسی، آزار جسمی، آزار عاطفی مورد بررسی قرار می‌گیرد (بهبودی، ۱۳۸۵: ۴). فرایند ترمیم در چارچوب جبران آثار بزه‌دیدگی شامل جبران خسارت، پرداخت غرامت و اعاده وضع به حالت سابق است که این سازوکار به دو شکل رسمی در قالب جبران خسارت مادی و معنوی و نیز پرداخت غرامت به شکل دولتی، عمومی و فردی اعمال می‌شود.

جبران خسارت یکی از ساده‌ترین و درعین حال برجسته‌ترین گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان سایبری است. این خسارت عبارت است از بازگرداندن مال یا پرداخت پول برای هرگونه زیان، پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده در نتیجه بزه‌دیدگی در فضای سایبر به آن دچار شده است. جبران خسارت مادی ممکن است به دنبال آسیب برخاسته از جرم سایبری به دارایی باشد همچنان که شاید از آسیب‌های بدنی و روانی وارد بر بزه‌دیده سرچشمه گیرد (United Nations Emergency Children's Fund, 2006). بنابراین اطفالی که حقوقشان در فضای سایبر نقض شده است این حق را دارند به واسطه والدین و سرپرستان قانونی در زمان مقتضی با توسل به شیوه‌های عادلانه، کم‌هزینه و در دسترس، درصدد جبران صدمات وارده برآیند. پاراگراف ۷ شورای اروپا در مورد حمایت حقوقی علیه تبعیض جنسیتی مصوب ۱۹۸۵، ماده (۴۳) و (۴۵) اصول راهبردی حقوق اطفال در نظام

عدالت کیفری؛ قطعنامه شورای اجتماعی اقتصادی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۷، بند «۳» ماده (۷) و ماده (۳۶) عدالت برای اطفال بزه‌دیده مصوب ۲۰۰۴ و درنهایت ماده (۲۴) قانون محافظت از اطفال مصوب ۲۰۱۳ این حق را برای اطفالی به رسمیت می‌شناسد که براساس موارد تخطی از این قانون، قربانی جرائم سایبر شده‌اند تا به واسطه سرپرستان قانونی بابت هرگونه صدمات وارده غرامت دریافت کنند. کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار شورای اروپا مصوب ۱۹۸۳^۱ نیز دولت‌ها را ملزم به جبران خسارت کامل کرده است.

قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۵ موسوم به اعلامیه اصول بنیادین دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت^۲ نیز بر ضرورت به‌کارگیری تدابیر ملی و بین‌المللی برای تضمین شناسایی جهانی و کارآمد حقوق بزه‌دیدگان و احترام به این حقوق تأکید کرده و در ماده (۸) اعلامیه فوق مقرر می‌دارد: بزهکاران با اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آنها پاسخگو هستند، موظفند به نحوی منصفانه خسارت اطفال بزه‌دیده، خانواده آنان را جبران کنند. این جبران خسارت در قالب بازگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب وارد شده و همچنین پرداخت هزینه‌هایی است که در پی بزه‌دیدگی حاصل شده است و می‌بایست خدمات‌رسانی و ترمیم حقوق بزه‌دیده در فضای سایبر را نیز دربرگیرد.

قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۵ موسوم به رهنمودهای دادگری جنایی در موضوع‌های کودکان بزه‌دیده و گواه جرم^۳ که سند خاص ویژه بزه‌دیدگی اطفال است در مواد (۳۵-۳۷) به جبران ضرر و زیان مادی از اطفال اشاره کرده است. قانونگذار ایران تحت تأثیر اسناد بین‌المللی پیش‌گفته در زمینه حمایت‌های مالی از بزه‌دیدگان در ماده (۲۱۴) قانون مجازات اسلامی و ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حق جبران مالی خسارت‌های مادی را به‌طورکلی پذیرفته و جبران

1. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes

2. Declaraion of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power

3. Declaraion of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power

خسارت مادی را مبنای حمایت مالی از بزه‌دیدگان قرار داده است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۸۷). برای نمونه در بحث کلاهبرداری مرتبط با رایانه (ماده (۳) قانون جرائم رایانه‌ای) و نیز کلاهبرداری رایانه‌ای (ماده (۶۷) قانون تجارت الکترونیک) قانونگذار علاوه بر اعمال مجازات مندرج، شخص مرتکب را به «رد مال» هم محکوم می‌کند که مطابق قانون جرائم رایانه‌ای، چگونگی حمایت‌های مالی را می‌بایست از اصول و قواعد عمومی جبران خسارت استنباط کرد.

در کنار جبران خسارات مادی، آنچه بیشتر با توجه به وضعیت و شرایط خاص اطفال بزه‌دیده در فضای سایبر باید مورد عنایت قرار گیرد حمایت‌های عاطفی و حیثیتی از این قشر است. قانونگذار ایران در قانون جرائم رایانه‌ای صرفاً در ماده (۱۸) این قانون بر جبران خسارات معنوی افزون بر اعاده حیثیت توجه کرده است. اگرچه در قانون مسئولیت مدنی (ماده (۱۰)) و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (تبصره «۱» ماده (۱۴)) آمده است که جبران خسارات معنوی علاوه بر خسارات مادی نسب به بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبر قابل مطالبه است اما در عمل با بی‌اقبالی مراجع قضایی مواجه شده است (پورقهرمان، ۱۳۹۶: ۲۴). برخی از حقوق‌دانان معتقدند جبران خسارت معنوی به آن معنا نیست که در قبال خسارت پول دهد بلکه صرف صدور حکم محکومیت و مجرمیت معنوی از نظر نمادین خودش یک نوع جبران است و این‌گونه خسارت‌ها قابل تقویم به پول نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۲۵۶). مطالعه کاربست راهبردهای ترمیمی در نظام عدالت کیفری آلمان نشان می‌دهد که جبران خسارت معنوی در غالب جدول پرداخت غرامت که میزان غرامت را برای هر جرم مشخص می‌کند امکان‌پذیر است و کاربست این فرایند به کارگزاران نظام کیفری این اختیار را خواهد داد تا متناسب با اوضاع و احوال پرونده، میزان غرامت را کاهش یا افزایش داده و حکم به پرداخت کنند (Vinson and Elkins, 2013: 31-39). پاراگراف نخست ماده (۲۴) قانون محافظت از اطفال مصوب ۲۰۱۳ مقرر می‌دارد: غرامت باید عادلانه و متناسب با جرم ارتكابی، جبران خسارت‌های روحی ناشی از جراحت‌های جسمانی و آزار و اذیت‌های روانی باشد (International Centre for Missing and Exploited Children, 2013: 86-129).

ایده جبران خسارت، ارتقای حس مسئولیت‌پذیری شخصی نسبت به طفل بزه‌دیده در فضای سایبر است. بدیهی است وقتی جرم سایبری همچون هک یا آسیب به سامانه‌های مخابراتی یا تخریب سایبری رخ می‌دهد و کسی از رهگذر وقوع آن خسارت می‌بیند، نگاه‌ها در مرحله نخست متوجه بزهکار است که با نقض قانون به دیگری صدمه وارد کرده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۷۱). نهاد بیمه به‌عنوان یکی از جلوه‌های مشارکت جامعه در زمینه جبران خسارات ناشی از جرم در واقع، به‌عنوان تضمینی برای جبران خسارت‌های ناشی از جرم و مخاطرات موجود در فضای سایبر ایفای نقش می‌کند. ممکن است بزهکاران سایبری، شناسایی یا مسئول شناخته نشده، یا نتوانند همه خسارت‌های وارده را جبران کنند در چنین وضعیتی، بیمه سایبری می‌تواند پاسخگوی مسئولیت احتمالی کاربران باشد و با رویکردی کنش‌گرانه و پیشگیرانه، جبران ناپذیری زیان‌های سایبری را به حداقل رسانده و با سهیم شدن در جبران خسارت، انگیزه جامعه برای مقابله پیشگیرانه با جرم را گسترش دهد (جلالی فراهانی و منفرد، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

اصل جبران خسارت بزه‌دیده در جرائم سایبر به هزینه دولت در مواردی که بزهکار سایبری به‌هیچ‌وجه به جبران خسارت بزه‌دیده قادر نیست یا پرداخت خسارت تماماً از سوی بزهکار سایبری تأمین نمی‌شود یا دیگر منابع مانند بیمه در دسترس نیست در غالب صندوق پرداخت غرامت محقق می‌شود که براساس آن جبران دولتی خسارات وارده به اطفال بزه‌دیده، باید با صدمه وارده خاص متناسب باشد و نباید با توانایی پرداخت شخص محکوم در جرائم سایبری مرتبط باشد (Victims Rights Working Group, 2011: 10). در برخی جوامع، دولت قطعاً به‌تنهایی توانایی تأمین حمایت مطلق از اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر را در برابر جرم و خسارت وارده ندارد. در نتیجه، می‌توان با برنامه‌ریزی و همکاری مراکز خدمات‌رسانی همچون سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد به‌ویژه صندوق‌های خیریه در قالب ارائه خدمات بیمه قضایی، از طریق سازمان‌های بیمه‌گر (عمومی و خصوصی) درصد بسیاری از بزه‌دیدگان سایبر به‌ویژه اطفال را با سازوکارهای حمایتی تحت پوشش قرار داد و با توانمندسازی، پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد اطفال، پیشگیری از انتقام‌گیری اقوام اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر و ترمیم کامل صدمات وارده را تسهیل کرد.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

در عدالت کیفری آنچه به عنوان نیازهای طفل بزه دیده در فضای سایبر مغفول مانده است آگاهی از علت وقوع جرم سایبری، فرصت بیان سرگذشت خود حین ارتکاب جرم، آگاه کردن جامعه و بزهکار از تأثیرات عملکرد بزهکار بر بزه دیده، نیاز به بازتوانی بزه دیده در کنترل احساسات و جبران ضرر و زیان وارده از سوی بزهکار سایبری است که راهبردهای عدالت ترمیمی با رویکردی تعامل گرا و بزه دیده مدار، با هدف ایجاد تعادل و توازن میان دغدغه های بزه دیده و بزهکار، جامعه محلی در مرحله نخست منافع بزه دیده و خواسته های او را در اولویت قرار داده و عدالت کیفری گفتگو محور را جایگزین عدالت کیفری سزاگرا می کند.

ساده کردن فرایند رسیدگی از جمله امکان مواجهه طرفین، محرمانه بودن مذاکرات و اولویت بخشیدن به جبران ضرر و زیان معنوی اطفال بزه دیده در جرائم سایبر و در نظر گرفتن خصوصیات روانی حاکم بر اطفال بزه دیده در فرایندهای ترمیمی از تکرار بزه دیدگی اطفال جلوگیری کرده و بستری مناسب برای تحقق خواسته های اطفال بزه دیده از نظام عدالت کیفری فراهم می کند. در جرائم سایبر گاهی بزه دیده و بزهکار تمایلی ندارند که والدین آنها از موضوع مطلع شوند. پارادایم عدالت ترمیمی، با به رسمیت شناختن بزه دیدگی اطفال و با ایجاد نشست های ترمیمی خارج از محیط عدالت کیفری (مدارس و نهادهای آموزشی و پرورشی) بستر همکاری طرفین جرم و کنشگران عدالت کیفری را برای ایمن سازی دسترسی بزه دیده به فضای سایبری، فراهم می کند. اختیار والدین و سرپرستان قانونی طفل بزه دیده در جرائم سایبر در تعیین فرایند ترمیم، او را در کنترل آثار بزه دیدگی یاری می دهد این امر موجب می شود بزهکار مسئولیت جرم ارتكابی و جبران خسارت بزه دیده را بپذیرد البته این امر نباید اقرار به مجرمیت محسوب شود. چراکه نگرانی از پیامدهای حقوقی پذیرش تقصیر در رسیدگی های رسمی بعدی ممکن است به موقعیت بزهکار سایبری در طول فرایند رسیدگی قانونی لطمه وارد کند و این امر باعث القای عدم اعتماد به روند میانجی گری می شود.

کارگزاران ترمیمی با آماده کردن طرفین جرم آنگاه که طفل بزه دیده مواجه است با خویشان و آشنایانی که او را آماج اعمال مجرمانه سایبری خود قرار داده اند امری است که

در اجرای صحیح فرایند ترمیمی محقق می‌شود. در فرایندهای ترمیمی برای افراد دخیل در جرم سایبری، از جمله والدین و سرپرستان قانونی طفل باید ظرفیت و امکان آگاه‌سازی شفاهی و کتبی در مورد حقوق خود و خدمات در دسترس در نخستین تماس با نظام عدالت کیفری، قبل از ورود به برنامه‌های ترمیمی به صورت اینترنتی، تلفنی یا حضوری فراهم شود و همه مراحل مختلف فرایند و چگونگی رسیدن و دستیابی به توافق و نتیجه سرپیچی از توافقات و حق دسترسی به دستگاه عدالت کیفری سنتی به شرح قابل فهم توضیح داده شود تا با شناخت و آگاهی لازم وارد این برنامه شوند و نیابستی با توسل به آن از ارجاع پرونده به جهت کاهش آمار جرائم و افزایش عملکرد استفاده شود؛ چراکه این رویکرد در درازمدت در منظر مراجعان به نظام عدالت کیفری جزئی از فرایند رسیدگی‌های قضایی به حساب می‌آید.

در عدالت کیفری به منظور جبران خسارت ناشی از جرم سایبری نسبت به اطفال و خانواده آنها تنها می‌توان بر اساس ماهیت جرم، میزان خسارت و نوع نظام کیفری اقدام کرد. حال آنکه در فرایند عدالت ترمیمی در خصوص مجرمیت، تقصیر اطفال بزهکار یا سهل‌انگاری اطفال بزه‌دیده تعیین تکلیف نمی‌شود بلکه مسئولیت‌پذیری به عنوان پیش‌نیازی برای شرکت در فرایند ترمیمی در نظر گرفته می‌شود. از این رو طرفین اختلاف می‌توانند با مشارکت در فرایند ترمیم با بهره‌مندی از آموزه‌های عدالت ترمیمی در خصوص گونه‌های مختلف جبران خسارت و ویژگی‌های آن مذاکره کنند. بنابراین، پیشگیری از تکرار جرم در پارادایم عدالت ترمیمی تسهیل می‌شود و توجه به ویژگی‌های خاص بزهکار سایبری در تعیین کیفر نیز موجب اثربخشی مجازات خواهد شد.

در راهبردهای ترمیمی، حمایت مالی یکی از برجسته‌ترین گونه‌های حمایت از اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر است که با تعیین جدول پرداخت غرامت برای هر جرم و دادن اختیار قضایی برای کاهش یا افزایش میزان غرامت با توجه به مقتضیات پرونده می‌توان تا حدودی لطامت روحی و جسمی وارده بر اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر را ارزیابی و به ترمیم آلام جرم طفل بزه‌دیده پرداخت. بیمه سایبری به عنوان تضمینی برای جبران خسارت ناشی از جرم و مخاطرات موجود در فضای سایبر با ایجاد اطمینان به جبران زیان‌های وارده در

فضای سایبری، اعتماد ذی نفعان این حوزه را نسبت به جبران ناپذیری زیان‌های سایبری را به حداقل رسانده و انگیزه جامعه برای مقابله پیشگیرانه با جرم را توسعه می‌دهد. جبران خسارت اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها در جرائم سایبر به هزینه دولت در مواردی که بزهکار سایبری توان پرداخت نداشته در غالب صندوق پرداخت غرامت می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد اطفال، پیشگیری از انتقام‌گیری اقوام اطفال بزه‌دیده در جرائم سایبر و پیشگیری از تبدیل شدن طفل بزه‌دیده به بزهکار تأثیرگذار باشد و موجبات توسعه عدالت قضایی را فراهم کند. با توجه به اینکه راهبردهای عدالت ترمیمی با ایجاد توازن میان دغدغه‌های اطفال بزه‌دیده و بزهکار، جامعه محلی در مرحله نخست منافع و خواست اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها را در اولویت قرار می‌دهد می‌تواند فضای مناسبی برای تحقق خواسته‌های اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها از نظام عدالت کیفری باشد. بنابراین دسترسی در هر زمان و مرحله از رسیدگی کیفری به راهبردهای عدالت ترمیمی و حتی به رسمیت شناختن عدالت ترمیمی به عنوان نظام اصلی رسیدگی به جرائم اطفال در فضای سایبر و عدالت کیفری به عنوان پشتیبان مواردی که راهبردهای ترمیمی امکان حل تعارض را فراهم نمی‌کنند را می‌توان راهبردی برای پیشبرد اهداف جامعه مدنی از جمله پیشگیری از وقوع جرم، کاهش بزه‌دیدگی دومین تلقی کرد.

منابع و مآخذ

۱. آقایی‌نیا، حسین و مجتبی فرهمند (۱۳۹۵). «جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی». *دانش انتظامی*، ش ۱۸.
۲. آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری (۱۳۹۴/۹/۸).
۳. اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۶). «بررسی مفهوم «کودک» با رویکردی به حوزه کیفری»، *ندای صادق، علوم اسلامی*، ش ۱۲.
۴. بارانی، محمد (۱۳۹۴). *شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان*، تهران، انتشارات علامت.
۵. — (۱۳۹۶). «پلیس و میانجی‌گری کیفری (مورد مطالعه: کلانتری‌های تهران)»، *دانش انتظامی*، ش ۱۹.
۶. بهبودی، هایده (۱۳۸۵). «کودک آزاری»، *تعلیم و تربیت کودکان استثنایی*، ش ۶۰.
۷. پورقهرمان، بابک (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی سازوکارهای حمایت از بزه‌دیدگان جرائم رایانه‌ای در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر کنوانسیون بوداپست»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۱.
۸. جلالی فراهانی، امیرحسین و محبوبه منفرد (۱۳۹۲). «حمایت قانونی از آسیب‌دیدگان سایبری»، *مجلس و راهبرد*، ش ۲۰.
۹. حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). «مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی (ایران، اسلام و انگلستان)»، *رساله دکتری دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی*.
۱۰. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۳). *شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)*، تهران، انتشارات میزان.
۱۱. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، ویراست دوم، تهران، نشر دادگستر.
۱۲. زهر، هوارد (۱۳۸۸). *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*، ترجمه حسین غلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۱۳. شریعتی، مریم (۱۳۸۹). «نقش مددکاری اجتماعی در حمایت از کودک بزه‌دیده»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران*.
۱۴. صفاری، علی (۱۳۸۲). «تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۳۸.
۱۵. عباس‌زادگان، مصطفی (۱۳۸۲). «عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری»، *پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۹.
۱۶. عباسی، محمد (۱۳۸۲). *افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری*، تهران، انتشارات دانشور.

۱۷. غلامی، حسین (۱۳۹۷). عدالت ترمیمی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. قریب، رخساره و مجتبی جانی پور (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجی‌گری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هشتم، ش ۱.
۱۹. کلانتری، رضا و هادی سجادی (۱۳۹۰). «بیمه سایبری و نقش آن در توسعه اعتماد به خدمات تجارت الکترونیکی»، همایش ملی اقتصاد و تجارت الکترونیکی، اصفهان، طویی نصف جهان.
۲۰. کوره‌پز، محمدحسین (۱۳۹۳). «نیم‌رخ جنایی بزهکاران سایبری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
۲۱. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری کاربردی (۱۳۹۷). جلد اول و دوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲۲. موسوی، سیدکمال‌الدین و معصومه احمدآبادی (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ش ۴.
۲۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۳). تقریرات درس جرم‌شناسی، بزه‌دیدة‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. هدایت، هدیه (۱۳۹۲). «حمایت افتراقی از کودکان بزه‌دیده در فرایند کیفری؛ مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم.
25. Braithwait, Jhon (2004). "Restorative Justice: Theories and Worries Visiting Experts Paper", 123rd. *International Senior Seminar, Resource Material Series*, No. 63.
26. Braithwaite, John (2002). *Restorative Justice and Responsive Regulation*, Oxford ; New York: Oxford University.
27. Council of Europe (1983). "European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes", *European Treaty Series*, No. 116.
28. — (1985). "Committee of Ministers, of the Committee of Ministers to Member States on Legal Pprotection Against sex Discrimination", *Recommendation*, No. R (85) 2.

29. — (1998). “Committee of Ministers, of the Committee of Ministers to Member States Concerning Mediation in Penal Matters”, *Recommendation*, No. R (99) 19.
30. — (2007). “Convention on the Protection of Children Against Sexual Exploitation and Sexual Abuse”, *Council of Europe Treaty Series*, No. 201, Lanzarote.
31. Duff, R. (1992). “Alternatives to Punishment or Alternative Punishments?”, *In Wesley Cragg (ed), Retributivism and its Critics*.
32. International Centre for Missing and Exploited Children (2013). *Child Protection Model Law, Best Practices: Protection of Children from Neglect, Abuse, Maltreatment, Exploitation, The Protection Project*.
33. Jaishankar, K. (2011). *Cyber Criminology: Exploring Internet Crimes and Criminal Behavior*, Boca Raton.
34. Johnstone, Gerry (1999). “Restorative Justice, Shame and Forgiveness”, *Liverpool Law Review*, 21(2).
35. Marty, Delmas and Ulrich Siber (2008). “Les Chemins de Harmonisation Penale”, *Collection de L UMR de Droit Compare de Pris*, (15).
36. Piaget, Jean, Barbel Inhelder and Helen Weaver (2000). *Psychology of the Child*, Basic.
37. Sherman, Lawrence (2007). *Restorative Justice: the Evidence*, The Smith Institute, London.
38. Strang, Heather (2006). *Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice* (Repr), Oxford University.
39. Toews, Barb (2007). *Little Book of Restorative Justice for People in Prison*, Rebuilding the Web of Relationships.
40. United Nations (1985). “Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power Adopted by General Assembly Resolution” 40/34.
41. United Nations Economic and Social Council (2000). “General Assembly Official Records; Fifty-Second Session”, *Supplement*, No. 3.

42. ——— (2002). “Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programmes in Criminal Matters”.
43. ——— (2004). “Guidelines on Justice for Child Victims and Witnesses of Crime”, ECOSOC Resolution 2004/27.
44. ——— (2005). “Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law”, ECOSOC Resolution 2005/30.
45. United Nations Emergency Children’s Fund (2006). “Guidelines on the Protection of Child Victims of Trafficking”.
46. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (1989). “Convention on the Rights of the Child Adopted and Opened for Signature”, Ratification and Accession by General Assembly Resolution 44/25 of 20 November.
47. — (2000). “Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict”, Retrieved from <https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/opaccrc.aspx>
48. Victims Rights Working Group (2011). “Establishing Effective Reparation Procedures and Principles for the International Criminal Court”.
49. Vinson and Elkins (LLP) (2013). “Compensation for the Mental Suffering of Rape Victims and Rape and Prostitution Laws Relating to Minors a Comparative Study”, for Beijing Zhongze Women’s Legal Counseling and Service Centre.
50. Wright, Martin (2004). “The Rights and Needs of Victims in the Criminal Justice Process In Hendrik Kaptein and Marijke Malsch”, *Crime, Victims and Justice Essays on Principle and Practice*, Hampshire, England and Burlington, Ashgate Publishing.